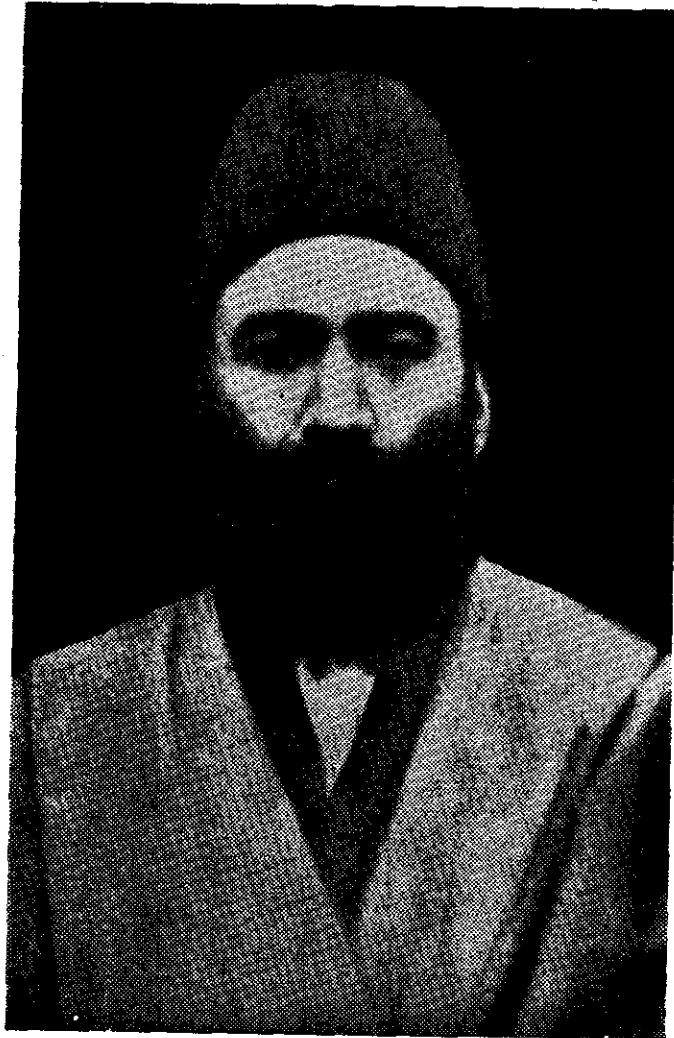
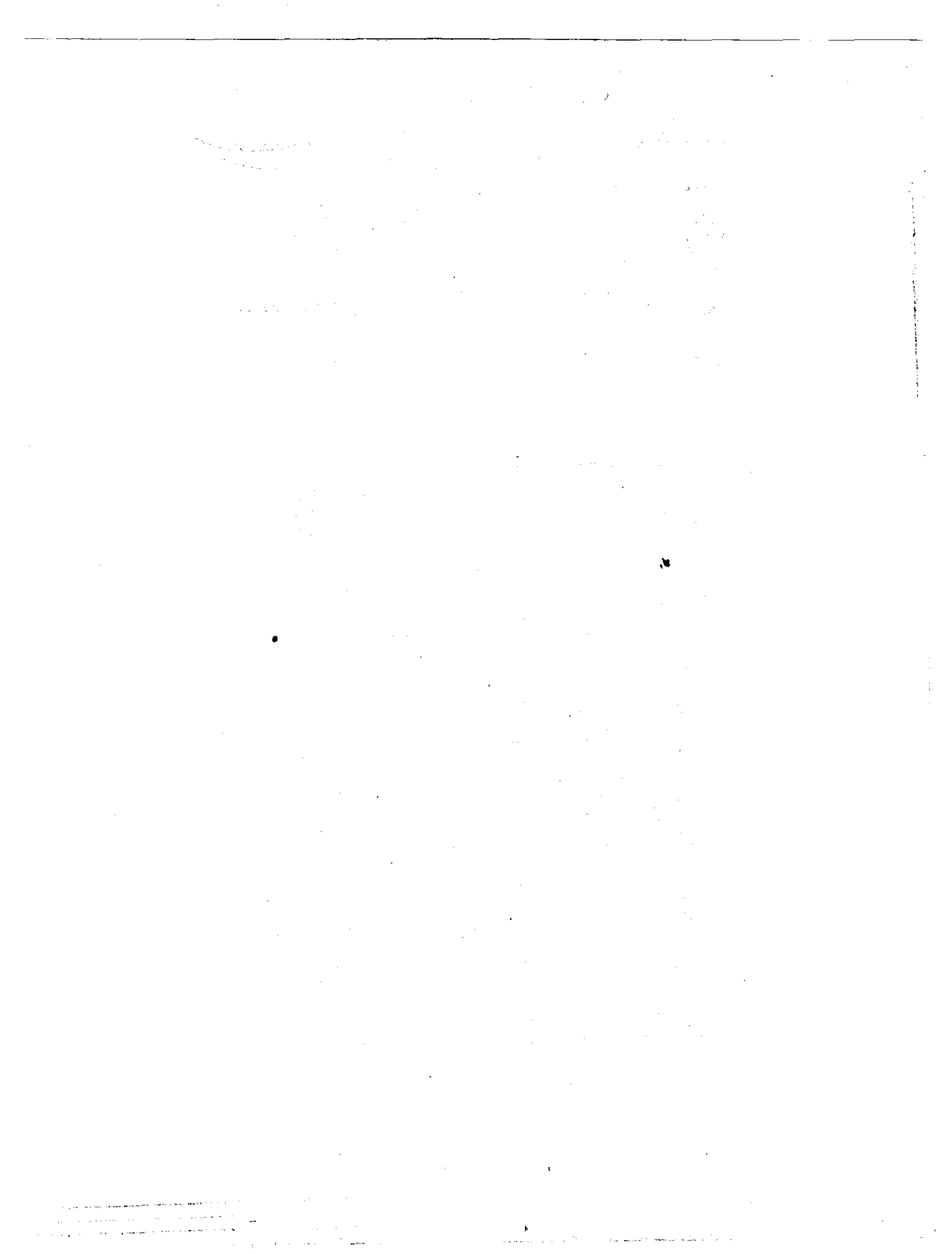


عبدالرحمن بن ابي بكر





سال اوّل	اوّل شهرالکمال ۱۰۳ بنیبع	دهم مرداد ماه ۱۳۲۵	شماره ۱ وازدهم
----------	--------------------------	--------------------	----------------

آهنگ بدیع نیل از انتشارت تصویب محفل مقدس روحانی طهران میسرند

از مشترکین گرام که تاکنون وجوه اشتراک خود را نپرداخته اند و یا موعد اشتراکشان منقضی شد مستعد است برای پرداخت و تجدید اشتراک تمام روزها را از صبح ساعت	آهنگ بدیع از انتشارات کمسیون نشریه، لجنه جوانان بهائیان طهران وجما اشتراک ۱۹ شماره ۱۰ شماره ۵ شماره آدرس مجله حظیره القدس ملی صندوق مکانبات مجله آهنگ بدیع جنب درب ورودی مجمع جوانان	اگر در میان کتب و مجلات خود شماره های از مجله نجم با و روزنامه خورشید خاور و یا اخبار اعمی دارید آنها را بیکجا بگذارید آهنگ بدیع
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

فرمائید و یا یاد ریافت قیمت آنها را در اختیار کتابخانه مذکور بگذارید
۷ تا ساعت ۹ بعد از ظهر دفتر مجله در
حظیره القدس مراجعه فرمایند

مدرسه تاپستانه

اولین دوره مدرسه تاپستانه در اوّل مرداد ماه ۱۳۲۵ مطابق (۱۱ شهرالکلمات ۱۰۳) در شمیران تشکیل گردید
دومین دوره آن از ۱۵ مرداد مطابق ۱۶ شهرالکمال شروع میگردد و او طلبین دوره دوم نیل از انفضاء موعده مذکور جهت ثبت نام خود بحدظیره القدس مجمع جوانان مراجعه فرمایند
سومین دوره نیز از اوّل شهریور شروع خواهد شد

تک شماره ده رسال است

لجنه جوانان

روزهای شنبه سه شنبه چهارشنبه ساعت ۶/۵ بعد از ظهر در حظیره القدس تشکیل میگردد
روزهای چهارشنبه از ساعت ۶/۵ وقت پذیرائی لجنه میباشد
مراجعه بکتابخانه

یکشنبه و سه شنبه ساعت ۴ بعد از ظهر
جمعه ساعت ۸-۱۱ صبح

هیئت تحریریه آهنگ بدیع در تصویب و یا حک و اصلاح مقالات مختصراست

نہرست مندرجات

۱۔ ازدواج بہائی	صفحہ ۳ و ۴	یقلم طاہرہ خانم راد پور
۲۔ نفحات مشکبار	۶ و ۷	—
۳۔ صلح یا مقصد اہل بہا	۸ و ۹	یقلم آقای سیروس ارجمند
۴۔ جناب آقا محمد نبیل فائسی	۱۱ و ۱۲	نقل از تذکرۃ الوفا
۵۔ اخبار	۱۳	—
۶۔ ادبیات	۱۴	انترطبع آقای حبیبی کرمانشاہی
۷۔ تاریخ بنای اولین مشرق الاذکار عشق آبا	۱۵ و ۱۶	یقلم آقای سید مہدی گلپایگانی
۸۔ اطفال و (مناجات)	۱۸	فرستندہ آقای بہمن گرانفر
۹۔ نہنگ آتشی	۱۹ و ۲۰	یقلم آقای اشراق خاوری
۱۰۔ سئوال و جواب	۲۱ و ۲۲	جواب سئوالات آقای پرویز آگاہ
۱۱۔ مسابقہ و پیغہ از صفحہ ۱۷ و ۲۱	۲۲	—

عکس روی جلد : جناب آقا محمد نبیل فائسی (مربوط بصفحہ ۱۲ و ۱۳)

شہر الکمال من سنۃ الجاد ۱۰۳۰ بدیع | تقویم آہنگ بدیع | من الواحد السادس من کل شہس الاول
۱۳۲۵

ابام ہفتہ	کمال	مرداد	ارمضان	اوت	ایام ہفتہ	کمال	مرداد	ارمضان	اوت
پنجشنبہ بہاء	۱	۱۰	۳	اوت	یکشنبہ امشہ	۱۱	۲۰	۲۳	۱۱
جمعہ اجلال	۲	۱۱	۴	۲	دوشنبہ علم	۱۲	۲۱	۱۴	۱۲
شنبہ اجمال	۳	۱۲	۵	۳	سشنبہ قدرہ	۱۳	۲۲	۱۵	۱۳
یکشنبہ اعظمہ	۴	۱۳	۶	۴	چہار شنبہ قول	۱۴	۲۳	۱۶	۱۴
دوشنبہ نور	۵	۱۴	۷	۵	پنجشنبہ مسائل	۱۵	۲۴	۱۷	۱۵
سشنبہ رحمتہ	۶	۱۵	۸	۶	جمعہ اشرف	۱۶	۲۵	۱۸	۱۶
چہار شنبہ کلمات	۷	۱۶	۹	۷	شنبہ سلطان	۱۷	۲۶	۱۹	۱۷
پنجشنبہ کمال	۸	۱۷	۱۰	۸	یکشنبہ املک	۱۸	۲۷	۲۰	۱۸
جمعہ اسماء	۹	۱۸	۱۱	۹	دوشنبہ اعلا	۱۹	۲۸	۲۱	۱۹
شنبہ اعزہ	۱۰	۱۹	۱۲	۱۰					

ازدواج بجمانی

در این امر افترا ن اتفاق تام و رضایت

و با افکار و انتظارات د ورود راز شاعرانه

کامل بین طرفین است باید نهایت دقت مجری شود
 و از اخلاق یکدیگر مطلع باشند و عهد متین محکم ما بین
 بود و باید ارتباطی باشد و مقصدشان باید الفت
 و دوستی و اتحاد حیات دائمی گردد بین بهائیان مسئله
 ازدواج اینست که مرد و زن باید روحا و جسمات متحد
 باشند تا در جمیع عوالم الهی اتحاد شان ابدی باشد
 و حیات روحانی یکدیگر را ترقی دهند اینست افترا ن
 بهائی * (حضرت عبدالبهاء) *

متاسفانه بموضوع ازدواج که بزرگترین و مهمترین مسأله
 زندگانیست و بخانواده که عالیترین و مقدس ترین تشکیلات
 اجتماعی توجیهی میدول نمیکردند و کسانی که میخواهند
 در این مرحله وارد گردند درست نمیدانند که چه مواظبت
 و مسئولیتهای سنگین بردوش میگیرند . اغلب جوانان
 و دوشیزگان پایه آمال خود را در زناشویی بجمانی میکنند
 که دست اند پشه بدان نتوانند رسیدن اینان در اوج خیال
 و فضای بیبایان انکار و اوها م فرشته خوشبختی خود را
 جستجو نموده همسران ابدی خود را از زمین نهبویان
 داستانها رمانها و سینماها میجویند زندگی خانوادگی
 را بمانند بهشت موعود و نظر خود مجسم ساخته تصور
 میکنند در این دنیا سگه سعادت و نیکبختی بنام همه
 کس زده شده و هر فرد که وارد آن گردد در آسایش و فراغت
 دائمی بسر خواهد برد مابدون اینکه بخواهیم برخلاف
 این انتظارات و آرزوهای د ورود راز چیزی بگوئیم تذکر
 میدهم که یا نظر شعرو خیال بموضوع ازدواج نگریستن

وارد این معرکه شدن شرط عقل نیست در اینجا
 علاوه بر افکار و آرزوهای شاعرانه پای زندگی عملی در
 میان است دنیای مایس از زناشویی تغیری در ما
 خود نمیدهد چرخ زندگی بر روی مدار دیرین خود
 بسر و گردش ادامه میدهد در این جهان نوش پی
 نهش وجود ندارد در مقابل تنم - آسایش عشق
 کامرانی فخر رنج محنت و ناکامی وجود دارد آسمان
 این بهشت خیالی همیشه صاف و بی لکه نخواهد
 بود زناشویی و ازدواج تنها عبارت از عشق همیشه
 و ستادی نیست در اینجا صحبت از یک عمر زندگان
 کردن در میان است در اینجا هزاران نکته یاریگر
 از ما هست که عاقل همه آنها کمال لزوم و اهمیت را
 دارد *

اساس ازدواج را باید علاقه و محبتی تشکیل دهد
 که بر روی بنیان احترام و تفد بس استوار گردید ولی
 ناگزیریم این نکته را مخصوصا بچوانانیکه تحت تأثیر
 احساسات تند جوانی قرار دارند گوشزد کنیم و تذکر
 دهم که گرچه عشق و علاقه از شرائط اساسی ازدواج
 است ولی اساس منحصر بفرا آن نیست چه همانگونه
 که جمال و زیبایی همیشه باید از نخواهد بود اگر
 عشق اولیه با عوامل مؤثر دیگر همراه نباشد پس از
 مدت کس که زندگی جریان عادی را بخود گرفت
 و از گذشته پرنقش و نگار جز خاطره شیرین در دست
 نبود و طرفین با عقل و منطق بآن نگریستند از اینکه

سال اول

آهنگ بدیع

شماره دوازدهم

اخلاق توافقی در رفتار توافقی در رفتار مخصوصاً این قسمت را با بدیش از آنچه تصور میکنم اهمیت بدیم صرفنظر از ملاحظات صحتی کسیکه میخواهد وارد مرحله حیات خانوادگی شود باید در همسر آینده خود فقط جویای این توافقی باشد کسانیکه جمال زیبائی ثروت و مقام را اساس ازدواج قرار میدهند حاد خبیث و اشتیاهی میگردند که یک عمر آنها را بد بخت و بیچاره میسازد . هم آهنگی و سازش و توافقی در صفات و ممیزات یک قدر مشترک بین زن و مرد است که میتواند کماخ زندگانی خانوادگی را از دستبرد حوادث مصلحت نگاهداری و نگذارد خوردن نوربخش عشق و محبت در بین آنها در زیر آبرهای تیرشنا روکد و رت مخفی گردد و بسوی زوال برود . جوانان باید این نکته را اهمیت بدهند که بین زن و مرد علاوه بر روابط زن و شوهری باید یک نوع رابطه فکری و عقیدتی متقابل موجود باشد مثلاً ملاحظه فرمائید اگر شوهر مادام کوری میکشف بزرگ ترانسوی پیرکوری آن دانشمند عالی مقام نبود اگر تشویق و تحریص و کمک دائمی او نبود نمیشود تعیین نمود که مادام کوری موفق یکشف را بدیم میگردد و آیا تصور نمیفرمائید که چه بسا بین همین خانمها و دبیزگان امروز کسانیا یافت شوند که اگر مشوقی و محرک در آنها مادام کوری بوجود میآید پس زناشویی حقیقتاً هنگامی غامض نیکیختی و کامروائی تواند گردید که بین زن و مرد یک نوع رفاقت و حسن تفاهم و توافقی فکری و روحی در تمام مسائل زندگانی فردی و عمومی موجود باشد حضرت عبدالبها میفرمایند: " زن و مرد باید فی الحقیقه رفیق باشند غمخوار یکدیگر باشند موافقتشان

انتخابی نامناسب کرده اند باید یک عمر دچار ندامت و شیمانی گردند . در میان جوانان و دبیزگان عده بسیار قلبی رامیتوان یافت که در انتخاب همسر و شریک عمر خویش وقت و تأملی نموده و از روی عقل و حکمت مبادرت یابند و نه افکار و معتقدات آنها در موضوع ازدواج مبتنی بر جزئیات است که بعد ها بعدیم تاثیر برون آنها در حیات خانوادگی پی میبرند و برعکس مسائل مهم و اصلی زندگی را از نظر دور میدارند و کوچکترین توجهی یانها ندارند در اینصورت اگر مشاهده میکنیم که بسیاری از ازدواجها بجای مسرت و سعادت موجب گرفتاری و ندامت میگردد نباید اظهار اعجاب و شگفتی کنیم .

پرفسور هال استاد علم الاجتماع در کتاب انسان مینویسد اگر مرد در شریک زندگی خود علاوه بر جمال صورت کمال سیرت و گودر نجابت و اخلاق رایجوید و بظاهرو معنی بطور مشترک دل بسیار یا زوال زیبائی صوری بنیان عشق وی در هم نخواهد شکست و کماخ خوشبختی یکخانواد هوازگون نخواهد شد اگر زن همسر خود را برای زورورزدوست نداند باشد بلکه در وجود وی از جوانمردی و گذشت و پاکد امنی و سمیمیتهم سراغی یگیرد مطمئن خواهد بود که بیونند وی تحت هیچ فشاری کسیخته نخواهد گردید اگر هر مرد بداند چیزی که نباید در لیستگی را نشاید هرگز بعشق ناپا بدار آلوده نخواهند شد و به ننگ حرمان و شیمانی ابدی دچار نخواهند گردید .

آنچه در موضوع زناشویی اهمیت بسیار دارد عبارتست از یکسلسله صفات و خصائص اصلی و اساسی که هر روز و هر ساعت در حیات خانوادگی تجلی میکند توافقی در

از روی حقیقت باشد نماز روی شهوت وهوی وهوس گسر اینطور باشد چند سالی با هم زندگی میکنند وبعد اختلا واقع میشود باید مانند یکجان در دوجسم باشند هیچ فرقی در میان نباشد در راحت همد بگریکوشند و بهمد یگرمعاونت کنند *

دختران و سرانی که میخواهند محیط آرام تجرد راترك گفته وارد عرسه پراشوب اجتماع گردند که در هر قدم آن باشد هامسئولیتهای سنگین مواجه میگردد باید بد اند که اغلب جدائیها - انفصالیها بد بختیهای بزرگ مولود یکسلسله عوامل کوچک است که از اجتماع آنها يك حادثه بزرگ پدید آید آمد هاست . اندکسی سهل انگاری کمی لایالی گری جزئی غفلت توقع وانتظار بیجای طرف ازد یگری آنها است که بسبب میشود کاخ سعادت خانواده سرنگون و افرادش بانا کامی روبروشوند زن و مرد باید متوجه گردند که کلیه کمالات و فضائل و زیباییها که جز در عالم تخیل در شخص واحد نمیتوان یافت از هوسر خویش انتظارند داشته باشند و بد اند که در يك ازد و طرف در محیط مخصوص که طبعاً از نواقص بسیار خالی نبود ما ست پرورش یافته و پنهان را اخلاق و افکار در يك نقاط ضعف و عیب فراوان

خانواده قرار میدهد و از این لحاظ مسئولیت بزرگی بر عهده دارند میخواهیم تاکید نمائیم که تنها در یکسورت میتوانید متکی بمحبت و علاقه دائمی و خلل ناپذیر شوهر باشید و آن در صورتیست که علاوه بر روابط زن و شوهری برای شوهر يك هم زبان متنا سب يك دوست یا فهم يك تسلی دهنده مهریایان يك مشوق و محرک دانا و يك یار و مدد کار میند باشید و اید اید که خانه و خانواده باید کانونی آسایش و راحتی باشد در نظر داشته باشید که مقدّمترین وظائف شما بهبود اوضاع خانوادگی است متوجه باشید که لیاقت و شایستگی شماست که میتواند محیط محقر و کوچک خانه را با ابراز صمیمیت و همفکری تبدیل به فردوسی کند که بنا نگاه افراد آن گردد و بالاخره سرینجه هنرمند شماست که میتواند بنیان کاخ سعادت و عظمت خانواده را بر وی اساس متین و محکم استوار نماید اینست وظیفه که بعهده شما محول گردیده و سعادت و مسرت جهانی وابسته

بآن است . (انتهی)

++++
+---+
+
+ صعود حضرت بهاء الله ۲۹ مه ۱۸۹۲ +
+ اولین اشارت هوس با مریم بارک در ۲۳ سپتمبر ۱۸۹۳ +
+ تأسیس اولین مرکزهای در غرب فوریه ۱۸۹۴ +
+ ورود اولین دسته ازین غربیها ۱۰ دسمبر ۱۸۹۸ +
+
++++

محسوس خواهد بود باید کوشید تا بانهایت صمیمیت و ملا طفت نواقص یکدیگر را مرتفع ساخت و نقاط ضعف روحی یکدیگر را کمال قوت بخشید تا بر اثر صمیمیت و همدردی و راهنمایی یکدیگر سمرت رهنمون گردند . بی مناسبت نمیدانم در اینجا روی سخن را مستقیماً بسوی خانمها و دختران جوان نموده متذکر شویم که خواه و ناخواه مقتضیات زمانه شما را مبرکر و مسدود

د رارض طف سید الشهدا روح * * * * * گذارید و بر عمل و ظلم خود ناله و
 ما سواه فداه فرمودند هل من ناصر * * * * * ند به نمائید ای حزب گمراه اطفال
 نصر فی اینتعبند میگوید هل من * * * * * را چه گناه آید آن ابله بر عیال و
 ناظر بنظر نسی سبحان الله از این کلمه علیاً تیرا نقطه
 مشرق نشهد انه شرب رحیق البقاء من اباد ^{عطا} ^{عطا}
 المشقق الکریم و رحیق ^{سخت} جسمی اخذش نمود که از
 خود و عالمیان گذشت و جان را که اغز اشیا عالم
 است در سبیل دوست فدا نمود او را هم سر بریدند و
 بدن مبارکش را سنگ باران کردند جذب و اشتیاق
 عشان در آن یوم ملاء اعلی را متحیر نمود آباد ^{رنج}
 نفس یافت میشود که لله و فی الله اغنام را از ^ب
 حفظ نماید ؟ آیا ملوک ارض جمیع امور را بحفظ انفس
 خود مخصوص نموده اند ؟ آباد در پیشگاه کرسی عدل
 آهس جواب چه میگویند ؟
 باتمس یاد ارای گفتار و مطلع اخبار یکساعت بر مظلوم
 های ایران بگذر و ببین مشارق عدل و مطالع انصاف کلمته بشهد لسانی و قلمی بانگ نصرت دین اللہ ^{التس}
 زیر شمشیر اصحاب اعتدال مبتلا اطفال بی شیر و صبرت فیما ورد علیک من عباد الظالمین و جناب
 مانده اند و عیال در دست اشقیای این سرزمین از خون آنا محمد باقر را هم در رب خانه صد را العلماء سر بریدند
 عشاق نگار بسته و زفراست مترین عالم وجود ترا مشتعل و سنگبار نمودند و بپراک برداهم می پرند میدان شاه آقا
 نموده با معشر الملوک شما مظاهر قدرت و اقتدار اصغر را سرمه بزند آنا حسن را امید وانند بضر چوب
 و مشارق عزت و عظمت و اختیار حقیق نظری بر حال تا سر میدان یکی از ملا زمان شاهزاده باوکه از همه
 مظلومان نمائید با مظاهر عدل یاد های تند ضغینه کوچکتر بوده میبوند بیباو بد یگو من تورا میخردم و پول
 و بغضا مصاییح برو تنور را خاموش کرد و در ^{کاهن} ^{کاهن} میسند هم آن نونهای یستان محبت الهی جواب
 نسیم رحمت رحمانی بر اجساد سوخته مطروح ضرور میگوید چه بگویم تو یا آنچه ماموری مشغول شو و عمل
 نمود و از هر یزدر این کلمات غالباً مسموم وای وای نماید در آن حین ظالمین شمشیر بر پهلوی مبارکش میزند
 بر شما هل ایران خون در وستان خود را ریختند و و چند نفر دیگر باقمه آن جسد مند بر انقطاعه قطعه
 شاعر نیستید اگر برگرد از خون آگاه شوید سر بریدند خرا میکنند و ظالمی دیگر نیز بر سینه کمخزن حب ربانی

بود میزند بعد میرغضب میآید و سرراجد امیکند و بسر
سر نیزه مینماید و میبرند خانه آنا شیخ حسن مجتهد
و بعد عمل نمودند آنچه را که هیچ نفسی از قبل و
بعد عمل ننموده و چشم ایداع شهبشراندیده -
از فرار معلوم شیخ به میرغضب انعام داد و بعد سر
راد رحلتها میگردد انند و اجساد مطهر را بر خاک میکشند
و خلق سنگ و چوب میزنند و میبرند و رگود آنها میریزند
و نواب والا امر میکنند شهر را چراغان کنند و عیش و
عشرت مشغول گردند و مبارک باد گویند و آن شب مکر
در رب خانه شهدای مظلومین جمع میشوند و ساز میزنند
و اهل و عیال مظلومان از خوف و ترس در برابر وی
خود می بندند و بگر حق آگاه است که چه گفتند و چه
کردند و بر آن مظلومان چه وارد شده پسران جناب
ملا مهدی و دو نفر را مرخص میکنند بر وند سیصد تومان
بیاورند آنچه تا حال واقع شده هفت نفر را شهید نمودند
و چند نفس راهم در حبس دارند بگر معلوم نیست یا
آن نفوس و سایر عباد چه عمل نمایند آن رینا هو العلم
الخبیر یکف از آن نفوس بکلمای نطق فرمود کسه
بسیار مؤثر است چنین که نواب والا جلال الله وله یسه
یکی از نفوس مطمئن موفقه فرمودند انکار کن و تیری نما
تا خلا سر شوی آن پیر مدینه بیان فرمود چهل سال
است من منتظر این بوم بودم که ریش سپیدم در رسید
آلهی بخونم رنگین شود از این کلمات مقامات محبت
و عشقش ظاهر شود اطوی للعار فین و از قراری که
نوشته اند این امور شنبعه و انعه از حضرت پادشاه
ایران ایدها الله نبوده و از دولت حکمی صادر نسه
فی الحقیقه چند سینه میشود که حضرت پادشاه ایدها

برائت و شفقت یا مظلومهای عالم سلوک فرموده اند
این حکم و امثال آن از نواب ظل السطان صادر رگشته
و گفته اند چون خیر اخذ میآید با اینسن
اعمال خواسته دفع بعضی توهمات را نمایند
العلم عند الله لمن لنا ان نذکر ما نعلم تسئل الله
تبارک و تعالی ان یعرف حضرت السطان ماکان
مستورا عنه انه هو السامع المجیب • چندی قبل هم
اورانی در بیوت و محلات یافته اند و بحضور ارفع
اشرف پادشاه ایدها الله بوده اند بعضی از اعداء
نسبتش را بیابان پادشاه اند آن حضرت فرمودند تسما
حال از این حزب این حرکات دیده نشد ه این حر
از شخصی است که بحضرت عبد العظیم پناه برده
و در آنجا ساکن و بعد حکم فرمودند او را اخذ نمود
از سرحد ایران خارج نمایند بعد از اخراج او مجدداً
در بعضی بیوت و اسواق هر بوم اورانی بدست افتاد
و در آن آنچه سبب و علت فتنه و فساد بود مرقوم
و مذکور بعد از مشاهده ورقه حکم اخذ و نفر از این
حزب شده و این دو نفر قسم پادشاه نمود ماند و یکمال عجز
عرض کردند که از فضل آلهی ان یال این حزب مقدس
و میرا است چه که این حزب دولت خواه و ملت خواه
و از امثال این امور بنا لایفه کاذبه فارغ و آزاد باری
بعد عدل آلهی و همت حضرت پادشاهی وجد و
ملا زمان دولت خواه صاحب ورقه اخذ شده اسعش
احمد از اهل کرمان او را اخذ نمودند انوار کرد بر عمل
خود از سبب و علت پرسیدند عرض نمود عدوت بسا
حزب یایی مرا واداشت بر تحریر این ورقه و مقصود
از این عمل مردود آنکه این حزب (بقیه در صفحه ۱۰)

سال اول

آهنگ بدیع

شماره دوازدهم

کشف راه جنوب افریقا : یکی از فضایای
جالب توجه قرن ۱۶ تغییرات بزرگی
بود که در صنعت و تجارت روی داد
بدین معنی که پس از اینکه جنگهای صلیبی

طرح
بیا مقصد اهدیل
بها

رسیده بودند اولین کسبکها آمریکاکه
در آن زمان از سازمان مستعمرات اسپانیا
بود تجارت منظمی داشت که در آن زمان
کیس بود (۱۵۶۲-۱۵۶۳) که در اثر
تجارت چنان ثروتمند گردید که از اشراف
انگلستان محسوب شد دیگران نیز بتقلید او پرداختند
همین دست اندازی بمستملکات اسپانیا از طرف دولت
انگلستان سبب جنگهای پی در پی گردید و موجب زوال
سیادت دریائی اسپانیا شد .

(۶) یفتح مسلمانان خاتمه یافت و فلسطین در
دست ایشان باقی ماند و قسطنطنیه را هم در ۱۴۵۳
فتح کرده بودند ترکها راه تجارتی شمال مدیترانه را
رایستند بدین سبب روابط شهر مهم تجارتی و نیز
یا شرق نزدیک قطع شد و بجهت همین قطع طریق بود
که پس از کوشش بسیار راه جنوب افریقا کشف گردید .
وقتی که پرتغالیها بر راههای دریائی مسلط شدند و
قدرتی پیدا کردند یا تجار مسلمان بزد و خورد پرداختند
و جنگهای افدام نمودند که بتول یکی از نویسندگان
نبرد های ایشان جنگهای صلیبی تاجرها را فاسد و
زنجبیل بود .

ترقی قیمت اجناس : در این زمان بسبب احتیاج فراوان
بمفرغ برای ساختن توپهای جنگی شروع بایستخراج
معادن مس گردید احتیاج با افزایش وسائل حمل و
نقل فلزات از یکطرف و ورود طلا و نقره از طرف دیگر
از امریکا سبب ترقی قیمت اجناس شد بدینجهت است
که عموماً سال ۱۵۲۴ را امید اترقی قیمتها میداند
در اینوقت کم کم فکر رقابت نه فقط میان تاجرها بلکه
در میان ملتها پیدا شدند بود بلکه بازارهای لیون
را که نمایند ه فعالیت اقتصادی کشور فرانسه بوجود
آورد و توسعه داد تارقیب بازارهای ژنو باشد و بدین
طریق فعالیت تجارتی دولتها آغاز شد و بعد اختلا
عظیمه گشت .

کشف امریکا : بعقب برگردیم قرن ۱۵ بانهما
میرسید که سرزمین جدیدی بنام امریکا بوقطعات عالم
افزوده گشت و آنچه بیشتر از همه چیز در آن سرزمین
عجیب جلب توجه میکرد طلا و نقره و مروارید و مرجان
بی حساب بود . افراد بیکه لذت ثروت چشیده بودند
و از مزایای آن بهره بفرزاد اشتند چون جان خود را
شیرین میداشتند جرات افدام با این مسافرت پرخطر
نمیکردند و فقط با چشمهائی که حکایت از اشتیاق فراوان
مینمود با این گنجینه عظیم مینگریستند ولی اشخاصیکه
از رنج فقر استوآمد بودند جان برکف میگذاشتند و
خود بدریا مینداختند . چنانکه میگردند از فقر نجات
یافته بودند و اگر جان بسلامت میبردند بشروتنی سرشار

تجارت اوراق بها دار : از قون ۱۶ بیعد فصل
جدیدی بترجمع سرمایه بازگشت بدین معنی که در
این قرن عوائد دولت با قساطر معین و در فصول
مشخص جمع آوری میشد و چون اغلب جنگها بدعتاً
روی میداد و احتیاج بی پول آتی بود اشکالات زیاد بیه
وجود میآمد لذ برای اینکه بتوانند در هر موقعیکه ضرورت

ایجاب مینماید از تئوریکه بآنها تعلق میگردد استفاد ه
کنند عواید سلطنت و همچنین مالیاتها را پیش فروش می
کردند و مستغلات دولتی را گرو میگذاشتند بدین طریق
پس از مشخصات سرمایه داری یعنی جد شدن تجارت
اوراق بهاد از تجارت کالا پیدا شد مثلا بازارهاییکه
سال چهارده فعه در مراکز عمده میادله کالا تشکیل
شد و تجار از نقاط مختلفه اروپا برای شرکت حاضر می
شدند کمتر محل تجارت اوراق بهاد ارگشت و بالنتیجه
بازارها بیورس تغییر پیدا کرد و حواله مورات رائج شد
در مقابل این سرمایه داری تجار تی سرمایه داری صنعتی
نیز مشاهده میگشت مهمترین صنعتیکه حالت سرمایه
داری بخود گرفته بود صنعت پارچه بافی بود و کارخانه
های عظیمی تأسیس شده بود و چون اغلب پیش از مقدار
مصرف تهیه میکردند محصولات درست شده بی مشتری
میمانند و ناچار کارخانه مجبور بود که از تهیه کالا خود داری
کنند و واضح است که فشار این تعطیل بردوش طبقه
کارگروارد میآمد برای مثال میتوان انقلاب و شورش را که
در سال ۱۵۲۷ در زمان شارل پنجم پادشاه انگلستان
اتفاق افتاد یادآوری کرد بسبب آنکه در آنسال بسا
اسپانیا روابط سیاسی قطع گردید تمام بازارهای
مهمی که در دست تجاران انگلیسی بود از میان رفت و کار
خانم مجبور با خراج کارگران گردید .

اختراع چاپ : اختراع و تکمیل ماشین چاپ که
توسط جان گوتنبرگ (۱۳۹۲-۱۴۶۸) و دو نفر
دیگر بعمل آمد بتمرکز سرمایه کمک شایانی کرد بدین
معنی که چون تا پیش چاپخانه یا ماشینهای لایزمه
محتاج پول زیاد بود این صنعت بدست تجار افتاد
و برای آنها تشکیل شرکتهاش دادند که از تمرکز
سرمایه بسیار موثر واقع گردید .

در این اوان که قیمت ها بالا رفت وضعیت کارگران
بدتر میشد زیرا ترقی مزد آنها باندازه ترقی قیمتها نبود
ناچار حاکمیت و فرمانرواهاش مخصوص معدود دیگری بد
این مزایا ابارت منتقل میکردند کم فاصل صیان اروپا
و کارگران زیاد شد زیرا رسیدن بمقام ریاست کارخانه
روز بروز سختتر میشد ناچار انقلاب و اعتصاباتهای مهمی
روی داد مانند اعتصاب کارگران کارخانه چاپ لیون
در ۱۵۳۱ که بالاخره بمنایع پاریس نیز سرایت کرد
و تا ۱۵۷۱ ادامه داشت بدین طریق مشاهده میشود
که تمرکز سرمایه که ابتدا از زمینه تجارتی حاصل شد
بود کم کم بمنایع هم نفوذ کرد و آنها تحت سلطه خود
قرار داد در ایندوره کم افزاردت ماشین تبدیل
گردید .

مکانیزه شدن صنایع : باید دانست که علت تأثیر
ماشین در جامعه آنروزی اختلاف فاحش مقدار تولید
ماشین بود که طرف مقایسه با مقداریکه یادست تهیه
میکردند نبود . ورود ماشین در کار صنایع تأثیر شدیدی
کرد مثلا در شیشه سازی و نختایی و ماهوت سازی و
کاغذ سازی انقلاب عظیم ایجاد نمود . این ترقی
صنعت و تجارت در آنزمان که حدود قرن ۱۸ بود در
سازمان کشورهای نیز تغییراتی داد زیرا برای بسط
اقتصاد ملی خود مجبور بودند بتسخیر بازارهای
تازه و سرحد های جدید اقدام کنند لازم پیش نیست
که تسخیر این بازارها جزا بطریق جنگهای خونین
که بیشترین فوایده و آلمان و اسپانیا روی داد ممکن بود

تمام فشار جنگها بر طبقه فقیر تحمیل میشد و هاقین نیزکه بهوای کارخانجات از سرزمینهای اربابهای خود فرار کرده بودند چون کاری پیدا نمیکردند جزو طبقه فقیر بانی میماندند .

ایجاد طبقه ثروتمند : در اثر رونق تجارت و صنعت یک طبقه نیرومند از صاحبان کارخانها و بازرگانان به وجود آمد که تأثیر بزرگی در اجتماع داشت و ثروت هنگفتی در دست ایشان بود و همچنین در این زمان روز بروز بر تجمل زندگی اعیان و اشراف افزود میگشت و اینان کاری جز شکار و مهمانی نداشتند و برعکس طبقه بیچارگان از داشتن نان شب نیز محروم بودند یک نمونه از اشراف اعیان خرجهای مادام دوامها بود که در زندگی خویش تنها ۱۲ ملیون لیبر برای ساختمان و تأثیر خرج کرد . این عدم تعادل کم کم تریب یافت و زمینه را برای انقلابی خونین مانند انقلاب فرانسه بوجود آورد حتی تاریخ نویسان نیز بر این خور ریزی اظهار تأسفی نکردند چه که در زمینه صد مات وید بختیهای طبقه فقیر این انقلابات و خونریزیها جزئی بود یکی از مورخین مینویسد : "ای مرد میان حساسی که بر روی ناگواریهای انقلاب گریه میکشید چند قطره اشک هم بر روی ناگواریهاییکه انقلاب را آوردند بریزید" باری انقلاب کیبر فرانسه چنانچه در تاریخ خوانند و اید فرار سید و آن اختلاف طبقاتی را تا حدی از بین برد چه بجاست که در اینجانبند اول از اعلامیه (حقوق بشر) را که نمایندگان ملت فرانسه در انجمن ملی طرح کردند مذکور داریم تا معلوم شود که آنها هم خونها که ریخته شد تنها برای رفع فشارهای

طبقه اعیان بود بر طبقه که حق حیات بر ایشان نماند بود .

بند اول افراد بشر آزاد و مساوی در حقوق بدنیانند و آزاد و مساوی در حقوق میمانند مشخصات اجتماعی نمیتواند غیر از فائده عمومی بنای دیگری داشته باشد باری مشاهده گشت که عدم تعادل ثروت موجب چه انقلاباتی است و تا این مرحله با وضعی خوش خاتمه نیامد صلح داشتن خیالی پس واهی است ماد ریخش پنجم در این زمینه بیان خواهیم کرد که بهائیت چه گونه حل این مسئله مینماید و از چه طریق بیان میکند که اغنیاء بصرافت طبع و طبیب خاطر در تحت تو انبیا مشخص و معین جان و مال فدای فقرا میکنند و پذیر شفقت و مهربانی در قلوب غمزدگان و رنجوران مینماید و تنهاد را این سبیل است که میتوان اطمینان داشت که افراد بدیئت اجتماعیه در نهایت سرور و حیور زندگی خواهند کرد و صلح و سلام نمود از خواهد شد .

بقیه از صفحه ۷ : کمال عدوت را داشته و دارند و بنا بر خصما مشتمل است چه که او از اجزای مخالف است و عنادش بمثابه آفتاب ظاهر و واضح یا سلطان اقسامک بعدل اللہ و سلطان مویمظا هر فضله و مشارق آیات به تفحص فرمائید تا صدق این مظلومان و عدم فساد و خیر خواهیشان در پیشگاه حضور حضرت شهر یاری واضح معلوم گردد یا سلطان قسم یا آفتاب حقیقت این حر و دولت خواهند چه که عاقلند و قارشان آداب پسندیده و شعارشان اخلاق مرضیه و روحانیه است امید آنکه از پرتو انوار آفتاب عدل حضرت یاد شاهی اهل عالم به طرازی راحت و اطمینان مزین و منور گردد و الامروالحکم فی قبضة قد رقا اللهم رب العرش العظيم والكرسى الرفيع

آهنگ بدیع
جناب آقا محمد سیل فانی

از تذکرة الیوف

شخصی بینظیر بود مسمی با آقا محمد فائز که عاقبت از مظهر نبیل اکبر ملقب گشت این شخص جلیل در حوزه آن مجتهد شهیر بر جمیع تلامذت تفوق یافت لهذا از کل مستثنا گشت و با اجازه اجتهاد اختصاص یافت زیرا شیخ مرتضای مرحوم اجازه یکی نمیداد و از این گذشته در فنون سائره مثل حکمت اشراق و مطالب عرفا و معارف شیخیه و فنون ادبیه نهایت مهارت داشت شخص جامعی بود بر همان لامعی داشت چون بنور همدی منور و مشام بنفحات قدس معطر شد شعله رحمانی گشت و سراج نورانی شد و جد و طرب یافت و له و شمعفس دست داد مانند دریا چو ش آمد و پشایه نهنگ در بای عشق پر خروش گشت و چون اجازه اجتهاد از شیخ مشارا در نهایت توصیف و تعریف بیافت از نجف بیفد ادشتا و بشرف لقا فائز شد و اقتیاس انوار از شجره مبارکه سینما نمود و چنان بهیجان آمد که شب و روز آرام نداشت روزی این شخص محترم در بیرونی یکمال ادب روی زمین حضور نورسبین نشسته بود در این اثنا حاجی میرزا حسن عمو معتمد مجتهد بر کربلا یازین العاید بن خاندن فخرالدوله وارد شدند حاجی مذکور ملا حظه نمود که حضرت نبیل اکبر در زانوی ادب روی زمین نهاد و در نهایت خضوع و خشوع نشسته بسیار تعجب نمود خفیا گفت آنا شما اینجا چه میکنید؟ جناب نبیل اکبر فرمودند بیجهت همانکار که شما آمد هاید باری خدایی سبب تعجب آنها شد زیرا شهرت کرده بود که این شخص ممتاز از کل مجتهدین و معتمد عظیم شیخ جلیل است

یا فلیم خراسان رفتند امیر فائز میر علم خان ابتدا بنهایت احترام قیام نمود و حضور ایشانرا غنیمت بی پایان شعر هر کس گمان مینمود که امیر با جناب فاضل در درجه عشق است و تعلق خاطر دارد زیرا مفتون فصاحت و بلاغت و مجنون علوم و فنون او گشته بود و بگرا احترامات ماثربین واضح و معلوم الناس علی بن ملوکهم حضرت نبیل اکبر در این عزت و احترام ایام میگذراند ولی شعله محبت الله نگذاشت کسه کمان حقیقت نماید جوش و خروش پوش از کاربرد اچنان بر افروخت که پرده سترو حجاب بسوخت هزار جهد بکردم که سر عشق بیوشم نیسود بر سر آتش میسرم که نجوش ولی خطه فائز روشن کرد و جمعی را تبلیغ نمود و چون باین اسم شهر آفاق گشت علمای حسود بنفاق و شفاق برخواسته و سعایت بیطهران نمودند ناصرالدین شاه بانتقام برخواست و امیر اقلیم از خوف شاه بنهایت تعرض قیام نمود و لوله در شهر افتاد و فتنه عظیم رخ نمود جمیع بر آشفته و بتعرض پرداختند ولی آن سرگشته و سودائی و دلداد ه و شیدائی اید ا فتور نیاورد و مقاومت جمهور فرمود عاقبت آن واقف ستمکون را از فائز سرگون نمودند رهنمون بیطهران شد و بیسروسامان گشت در ظهر عوانان دست تطاول گشودند نراشان در جستجو بودند و چاوشان در هر کوی در گفتگو تاید است آن و عفویت و شکجه نمایند

میرزا حبیب الله و آية الله خراسانی وملاسد الله
 مازند رانی مشایخ سلف و خلف بی نام و نشان -
 گردند و محو و نابود شوند نه اثری نه ثمری نه ذکری
 و نه خبری لکن نجم یازغ حضرت نبیل اکبر الی الاید
 از افق عزت آید به مید رخشد زیرا همیشه شایست
 بر امر مبارک و مشغول بخدمت بود تبلیغ نفوس -
 مینمود و بنشر نفعات میپرداخت این واضحست
 هر عزتی که در امر الهی هست عاقبت ذلت است و
 هر راحتی که در سبیل الهی نه عاقبت زحمت است
 و هر ثروتی نهایت فقر نمسکت فی الحقیقه حضرت
 نبیل اکبر آیه هدی بود و رایب تقوی در امسیر
 مبارک جانفشانی کرد و در جانفشانی کامرانی نمود
 از عزت دنیا گذشت و از مسند جاه و غنا چشم
 پوشید از ترفیدی فراغت داشت و از هر فکری
 مجرد بود عالم و فاضل بود در جمع فنون ماهر
 هم مجتهد بود هم حکمی هم عارف بود و هم کاشف
 در علم ادبی فصیح و بلیغ بود و ناطق بنظیر
 جامعیتی عظیم داشت و الحمد لله خاتمه
 باد بینه اللطاف گشت علیه بهاء اللعالمین
 ونور الله مسرفده بانوار ساطعنة من
 ملکوت الایهین و ادخله فی جنۃ اللقائ
 واخلده فی ملکوت الایسرار مستغرقا
 فی بحر الانوار .

در تین اول بهائی در دوره حضرت باب امر مبارک
 در عراق و ایران انتشار یافت و سرود و در حضرت بهاء الد
 ند ایامرد را قالم برمه تفتاز مصر هند وستان لبنان
 سودان سوریه ترکیه و ترکستان مرتفع شد .

گاهی مانند آه مظلومان بر هر فراری میشتافت و گهی
 مانند سرشک چشم ستمد بدگان بهر نشیبن میبخت
 لهذا مجبور شد عمامه برداشت و کلاه بر سر گذاشت تا
 عوانان نشناسند و باذیت و جفا یز بخیزند ولی خفیا
 یکمال همت بنشر نفعات الهی مشغول و بالتفا و حجج
 و پراهین ما لوف سراجی نورانی بود و شعله رحمانی
 همیشه در خطر بود و در حالی پر خند در همواره حکو
 م در جستجو بود و احزاب در گفتگو لهذا عاقبت به
 بخارا و عشق آباد توجه نمود و در آن خطه و در یار
 بیجان اسرار میپرداخت و چون شمع میگذاخت ولی این
 صدمات و بلیات بزمرد و واقسره نمود بلکه روز بروز
 پر شعله حالت افزود لسان ناطق بود و طبیب خاند
 هر ددی را درمان بود و هر زخمی را مرهم دل و
 جان اهل حکمت اشراق را بقواعد اشراقیون هدا
 مینمود و عارفان را بدلائل کشف و شهود اثبات -
 ظهور ملک وجود میگردد اعظم شیخیه را بصریح
 عیازات شیخ و سید مرحوم اقتاع میکرد و فقها را
 به آیات قرآن و احادیث ائمه هدی دلالت
 میفرمود لهذا هر ددی را در زمان فوری و هر
 مستندی را اعطای کلی باری در بخارا بینوا شد
 و بانواع صدمات مبتلا عاقبت در رغبت آن کاشف راز
 به ملکوت بی نیاز شتافت و ساله در نهایت بلاغت
 در اثبات امر تحریر نمود و آله و برهین قاطعه
 تقریر کرد ولی در دست یاران نه امیدم چنانست که
 آن رساله پیدا شود و سبب تشبه علما و فضلا گردد
 خلاصه هر چند در این دافانی موند بلای نامتنا
 گشت و لکن جمیع مشایخ عظام نظیر شیخ مرتضی و



XXXXXXXXXXXXXXXXX
 X در مجمع جوانان X
 X XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX*

۱- روز شنبه ۲۲ تیرماه از طرف لجنه جوانان کنفرانسی در مجمع جوانان برای بحث در پیرامون عقائد کسروی ترتیب داده شده بود ناطق جلسه آقای بیژن پیا مس عقائد کسروی را راجع به هائیت در دو قسمت مورد بحث قرار داده ایرادات او را رد نمودند و نکات ضد و نقیض کتب و پرا روشنی کردند ایسن کنفرانس برای بقیه سخنرانی ادامه دارد.

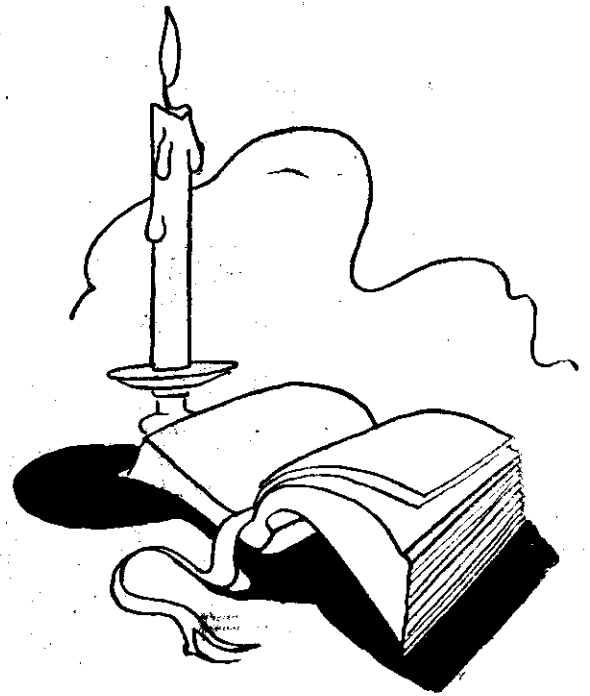
۲- بم چهارشنبه دوم مرداد ماه در سالن مجمع جوانان بهائش پرگرام جالب توجهی اجرا شد. ابتدا خانم تام که بتازگی از آلمان تشریف آورده اند شرح مفصل و مہیجی از فعالیتہای جوانان بهائش آلمان بزبان آلمانی ایراد فرمودند آقای عنایت اللہ تام نیز با نحو ی موثر بفارسی ترجمہ کہ موجب شدت اشتعال وانجذاب و سرور جوانان گردید. سپس آقای عزت اللہ ذبیح در موضوع تقویت فوای جسمانی نطق مفصل و مفیدی ایراد نمودند. پرگرام روز شنبه ۱۲ مرداد ساعت ۷ ۱/۲ بعد از ظهر در مجمع جوانان شامل نطق جناب عزت اللہ ذبیح در موضوع تقویت جسم خواهد بود.

۳- روز یکشنبه ۱۳ مرداد در سالن مجمع جشن یکسالہ افتتاح مجمع جوانان با پرگرام جالب کہ شامل نطق قطعات موسیقی فیلم ارضاندرس است اجراء خواهد شد. و مرتباً در روزهای شنبه و چهارشنبه برنامه خود را عملی مینماید.

XXXXXXXXXXXXXXXXX
 + انجمن سخن +
 X XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX*

روز چهارشنبه ۲۶ تیرماه جلسه انجمن سخن در حضرتہ القدس تشکیل یافت پس از اعلام پرگرام و خواندن دو قطعہ از اشعار معاصرین آقای ابراهیم منصوری نطقی راجع بمیادی علم اقتصاد ایراد نمودند و چنانکہ در پرگرام با اطلاع حضار رسیده بود علت انتخاب این موضوع آشنائی جوانان بمعانی اصطلاحاً و اصول علم اقتصاد است تا انجمن سخن بتواند در آتیہ راجع بمعقائد اقتصادی احزاب و دیانت بهائش سخنرا نیہائی ترتیب دهد.

البتہ بیان این اصول و اصطلاحات اگر چہ تا حدی جذاب نیست ولی برای استفادہ از مباحث آتیہ لازم بنظر میرسد. وانجمن امیدوار است کہ جوانان اینگونه مواضع علمی را استفیال نمایند.



اثر طبع آفای سید صدرالدین حبیبی کرمانشاهی

از نقطه بسم الله کان هست بهاء الله
هم رجم شیطین کن هم کوبک ثاقبین

*

میگویم و از گفته خوشحالم و دلشادم
در است که در مکتب استاد ازل داد
کی گشته فراموش سرگزین بود بیاد
اسماء الهی را در زرع نیس آدم
هر دم بمشارق دان سرگزمقارب بین

از نقطه بسم الله کان هست بهاء الله
هم رجم شیطین کن هم کوبک ثاقب بین

*

شوقی است باین عالم فرماندهوشا دهنده
خورشید جمال او بگیرفته گریه از مسه
تونیزا گرچون من خواهی که شوی آگه
آن ما و منی افکن چون خاک شواند ره
آنمظهر را سمارا چون ما تورا کتبین

از نقطه بسم الله کان هست بهاء الله
هم رجم شیطین کن هم کوبک ثاقبین

*

امروز باین مردم شوقی است فقط رهبر
کی است جز آنحضرت بر خلق جهان سرور

از گفته من صد ری گزنیست تورا باور
لا هوتی ارگر خواهی بر قامت او بنگر
هم نشرو صحائف راهم سرگنائب بین
از نقطه بسم الله کان هست بهاء الله
هم رجم شیطین کن هم کوبک ثاقبین

باز خدایها است بد ناچه احتیاج
عکسش یقلب ما است با خراجه احتیاج

موسی بکوه طور اگر نور حق بدید
ما روی او بدید به موسی چه احتیاج
عیسی صلیب گشت و ند بد عاقبت بدید
د بدیدیم ماید ر بمسیح اچه احتیاج
ختم رسل بگفت خدا میشود عیان
اینک بیابین وینوفا چه احتیاج
حق را بچشم خویش بدید بهیمن نقاب
امروز را ختمیم بفرود اچه احتیاج
یکمرد هرا اگر مسیح جان بداد همان
عالم شده است زند به عیسی احتیاج
باغ بهشت طلعت شوقی است دوستان
وصف بهشت و طلعت زهرا چه احتیاج

برخیر دلا یکدم دنیا و معایب بین
از وهم گذر بنمایاد بد مصائبین

از مشرق این ابران غوغای مقارب بین
ای باریاد بدل اسرار هجائب بین

انوار الهی را اطراف و جوانب بین
از نقطه بسم الله کان هست بهاء الله

هم رجم شیطین کن هم کوبک ثاقب بین
از عالم جسمانی دل یکسر توبر کن

جانا نفس تن را با سنگ بقاشکن
پرواز کن از دنیا عیبساینما مسکن

آنظلمت او هامن از آب و گلت افسکن
هم عیسی مریم راهم حضرت صاحب بین

از نقطه بسم الله کان هست بهاء الله
هم رجم شیطین کن هم کوبک ثاقبین

این رازد رونی را تا چند کم پنهان
والله بتورات و با الله باین قرآن

بنمود خدا جلوه ظاهر شده در انسان
دل مشرق توحید و خورشید در اوتان

تو ماهیت و صورت در حاضر و غائب بین
(۱۴)

همینکه در سال ۱۳۲۵ تاریخ بنای اولین مشرق الاذکار در عشق آباد

گنبد مشرق الاذکار پوشید قطعات باهسی^{۳۳} (بقیه از شماره قبل) بنام مشرق الاذکار بهائیان را توفیق

یا لای کنید زده شد حضرت حاجی میرزا محمد تقی افغان بقصد تشرف بقیعه مبارکه علیا مرقد مطهر حضرت بهاء الله و در کفایت زیارت حضرت عبد البهاء عظام اراضی مقدسه گردیدند زیرا قیلا در عراق بیاض خویش مکرر رجای اذن تشرف نمود و حضرت عبد البهاء آنرا با تمام گنبد مشرق الاذکار مشروط و مرهون فرموده بودند پس از حرکت حضرت وکیل الحق افغان فرزند ارجمند^{شان} حاجی میرزا محمود بمباشرت اینکار اقدام ورزیدند و در سنه ۱۳۲۶ وجوه اولیه که از فروش املاک حاجی میرزا محمد علی افغان و اعانات مکرر احیای عشق آباد و ترکستان جمع آوری شده بود با تمام رسید و بسیاری از جزئیات و متعلقات و لوازم تکمیل این بنیان از قبیل گجکاری های خاج و ایوانها و سراحی های طبقات فوقانی و تحتانی و عرشه گلدسته ها و حوض های خیا بانها و دروازه و باغچه بندی و طرح خیا بانهای سه طرفی باغ و امثال ذلك هنوز ناتمام ماند لهذا ثالثا عموم بهائیان ترکستان وجوهی بطرح رغبت بعنوان اعانه تقدیم و بنظارت اعضای محفل مقدس شور و روحانی و بمباشرت مرحوم حاجی میرزا محمود افغان تا سال ۱۳۲۹ در تکمیل جزئیات و ملحقات مذکوره بمصرف رسید و برای اتمام جمیع نواقص کفایت نکرد از آن تاریخ تا سال ۱۳۳۱ حضرت حاجی میرزا محمود از حیب فتوت خود شان مختصر خرجی در این سبیل میفرمودند بواسطه رخاوت و فتور که در طی این دو سال در بنام مشرق الاذکار رخ داد مدعیان در رخاوت

نموده است اما اینا بر مثل معروف (تا نباشد چیزی که مردم نگویند چیزها) این اشتها موضوع جزئی داشت و شرح مختصر آن اینک مهندسان اولیه چون شخصی بود متعصب اولاد رنقشه رعایت تناسب توسعه محیط بنا را با ارتفاع آن ننموده و فقط ملاحظه اینکه در ارتفاع یا کلیسای نظامی در عشق آباد برابری نماید ارتفاع مشرق الاذکار را در رنقشه نسبت بتوسعه محیط بنا کمتر فرار داده بود پس از آنکه نظارت بنام مشرق الاذکار تا اتمام طبقه تحتانی با اختصاص داشت و بواسطه سوء رفتار بنا بنایان و کارگران بهائیان مجبور گشتند در رجای او مهندسان دیگری بنظارت این بنا بگمارند و مهندسان ثانی شخصی بود بیطرف و وسیع المشرب تناسب ارتفاع را با محیط بنا منظور داشته و بقدره آرشین بر ارتفاع آن افزود و داعی عصبیت و کدورت انتمالی وی از نظارت مهندسان اولیه را بقیام بر مخالفت مهندسان ثانی و اهل بهام مجبور ساخت و تقریباً یک دو ماه نگذاشت دست بکاری زنند لکن اهل بهام محاکمه این مسئله را بشورای مهندسان مرجوع و بعد از رسیدگی با استحکام بنیان تصدیق نمودند که اگر یک چنین بنا در بگری بر بالای آن ساخته شود این شالوده محکم متین تاب حمل آنرا تواند داشت توفیق مرتفع شد خلاصه الکلام تصادف این واقعه با فقد قوه مادی در این مدت علت این اشتها گانه به گردید و این اذکار غیرت و همت بهائیان عشق آباد و ترکستان را بجنبش آورد که با وجود ضیق

رعسرت اقتصادی که آن ایام بر عموم استیلاد اشته
 میلخ قایل اعتنای برای اتمام نواقص بنا^ی مشرق الاذکار
 تقدیم کردند و چون در سنه ۱۳۳۲ حضرت حاج میرزا
 محمود افغان حسب الامر مرکز میثاق برای تصفیه
 امورات شخصی خویش پس از صعود والد ماجد شان
 در اراض اندلس حینا بیزد مراجعت فرمودند احیای
 عشق آبا هیئت مخصوص میباشرت اتمام این بنیان
 و سرپرستی آن بنام کمیته مشرق الاذکار از نفوس تعالی
 امین انتخاب و این هیئت از آن تاریخ تا کنون برقرار
 و لکن در اعضا آن پیوسته تغییر و تبدیل و فروع
 یافته و می بایسد و هر چند از تأسیس این کمیته چند
 نگذشت که جنگ بین الملل شروع و باشکالات و صعوبت
 عظیمه مصادف گردیدند ولی در بحبوحه شداید و
 موانع لاتحصى که از حرب عموم نشئت یافته بود با
 یک متانت و استقامت خلل ناپذیری بتکمیل نواقص
 مشرق الاذکار پرداخته و تا اوائل سال ۱۳۳۷ -
 مطابق سنه ۱۹۱۹ - جمیع نواقص سابق الذکرا -
 یا تمام رسانیدند علی الخصوص که سه سال اخیریا
 انقلاب کبیر روسیه تصادف نمود و چه قدر جدیست
 و همت اعلی بیهاد و تکمیل بنا^ی مشرق الاذکار در سال
 ۱۹۱۸ محل توجه انظار و جالب نظره گشت عمومی
 واقع گردید که در موقع فرار میثونکها از عشق آبا^ی در
 بهائیان یا یک متانت و اطمینان و ثبات قلب بساختن
 صراحی های دیوار جلومشرق الاذکار اشتغال داشتند
 و از شدت تعجب و حیرت این حرکت را بر جنون بهائیان
 محول می داشته و فی الحقیقه جای تعجب این
 است که در چنین موقع نامساعدی یا تمام بنا^ی مشرق
 الاذکار

اکتفاء نگردیدند سالن بزرگی نیز جهت مجامع
 عمومی با وجود عدم وسائل و اسباب لازمه و بحران
 اقتصادى و استیلا^ی قحط و غلا^ی شدید بنا نمودند
 بنا بر مقدمات مذکوره از ابتدا^ی مشروعیت تأسیس اولین
 مشرق الاذکار رسمی بهائى در عشق آبا^ی تا اتمام
 آن تقریبات نوزده سال (یک واحد بیانی) -
 امتداد یافت و از همه آنچه ذکر شد خوانندگان محترم
 مقدار اهمیت و عظم این بنا را در عالم بهائیت درک
 توانند نمود و در صفحات تاریخ این امر اعظم جانفشانیها
 بهائیان را در این سبیل از یدل مزدان لباس و
 پلاس و انفاق زنان زینت و تجملات خود را در
 آینده نزدیکی بخطر جلی خواهند خوانند و این
 یک مزیتی است که قلم تقدیر بر ما بین معالک روی
 زمین آنرا بملکت روسیه تخصیص داده و با این رشته
 محکم قلوب و ارواح اهل بهار را در قطعات^ی خمسه
 عالم باین ملک و ملت مربوط و متوجه ساخته ذلك
 فضل الله بوثیه من یشاء و الله ذو الفضل العظم
 اما طرح این ساختمان مشرق الاذکار و مساحت
 آن و زمینی که در آن ساخته شده بقرار ذیل است:
 عمارت مشرق الاذکار در نقطه وسطای هشت قطعه
 زمین مربعی که مساحت آن عرضا و طولاً عبارتست
 از ۲۷۳ متر مربع (مساوی با ۵۰ / ۱۶۹۷۱ متر مربع)
 و سه سمت آن یخچایان منتهی میگردد
 بنا گردیده فقط سمت شرقی این زمین به عمارتیکه
 جناب حاجی احمد علیوف برای مدرسه و ترائتخا^ی
 و سایر تاسیسات ملی بملت یخشیده ولی تا کنون
 داخل مشرق الاذکار نگردیده اتصال دارد .

نوم عمارت مشرق الاذکار موافق هفتد سه شرقی ولی (۹) چیزی بکار نرفته مگر در هلی آن را که از چوب ساخته اند ترک که در دستر توك آن از تحتانی و فوقانی د ارای يك درواز و پس

بمبن و پسا ر مشتمل بر د و پنجره است میباشد بطوریکه هر کس را نمعید وارد گرد د از برای آن صد روز یلی تصور نتواند و بدین تغریب د اخل مشرق الاذکار مشتمل بر نه صفحه کوچک تحتانی است که بالای آنها نه غرفه فوقانی نیز بنا گردید بود رجولو آنها محجری که حاجب ماورا و مانع از سقوط جالسین باشد کشیده شد و معرض صفحه های اندرون از هر طرف $\frac{1}{2}$ ۸ آر شین روسی (۵ متر و ۸۶۵ میلی متر) است و عرض و طول سخن وسط مشرق الاذکار روز برگید $\frac{1}{2}$ ۱۷ آر شین روسی (۱۲ متر و ۴۴۲ میلی متر) است و از طرف بیرون عمارت نیز ایوانهایی از زیر بالا بر صفحه های اندرون احاطه نمود که از هر طرف $\frac{1}{2}$ ۸ آر شین (۵ متر و ۸۶۵ میلی متر) عرض است و هیکل مشرق الاذکار را خاتمه داده است .

د ریزرگ برای د خول و خروج بطرف جنوب که مواجد با بزرگترین و بهترین خرابیهای شهر واقع است مفتوح و جلو آن ایوانی عالی مرتفع که از د و طرف مشتمل بر د و مناره یقوم مساجد اسلامی است بنا گردید و لیکن چون مقصود از بنای مناره گفتی آن و امثال آن نبودند در اخل آن راهی برای صعود نگذاشته اند اما هشت قطعه زمینی که مشرق الاذکار د روسط آن بزرگترین شکلی جلوه گراست مشتمل بر خرابیها و باغچه های گل که بقوم های مختلفه مطبوع عطر اخی شده و گلخانه و حوضخانه میباشد بدینگونه که مقابل هر ضلع از اضلاع مشرق الاذکار خرابی و میان خرابیها باغچه ها و د روسط هر باغچه حوضی نه گوشه واقع گردید و بنا بر این این خرابیها و باغچه ها و حوضها مطابق اضلاع مشرق الاذکار محور د نه د ائسرو اطراف خرابیها بانواع و اقسام د رختان سو و کاج و ارغوان و امثالها مشحون و باغچه های وسط خرابیها بانواع چمنها و بوته های گل مزین است و یکمنظره بهجت افزا و باغی د لگشا برای تفریح عموم از بار و اغبار میدهد . د ر چهار گوشه باغ مذکور چهار عمارت واقع است اول مدرسه اطفال ذکور است که در سمت جنوب شرقی ساخته شد و مشتمل بر ۲ کلاس و یک نمایشگاه زمستانی وسیع که در آرای صحنه و لوازم نمایش است میباشد . دوم مدرسه اطفال اناث د ر طرف جنوب غربی و آن نیز مشتمل بر ۲ کلاس و د ر ایند و مدرسه زیاده بر ۵۰ نفر اطفال ذکور و اناث پت تحصیل اشتغال (بنیه د ر صفحه ۲۲)

د وزه زمینی که د ر زیر عمارت مشرق الاذکار واقع از طرف بیرون عبارت ۱۷۵ سائین (۳۷۲ متر و ۲۷۵ میلی متر) است و عرض آن از هر طرف $\frac{1}{2}$ ۵۰ آر شین (۳۵ متر و ۹۰۵ میلی متر) است و ارتفاع آن از روی زمین تا انتهای طوق گنبد نیز $\frac{1}{2}$ ۵۰ آر شین و از اینفرات تخمینا عرض مشرق الاذکار مساوی با ارتفاع آنست بدینگونه که از زمین تا پشت بام طبقه دوم $\frac{1}{2}$ ۱۹ آر شین و از اینفرار (۱۳ / ۸۶۴) متر میباشد و تنوره گنبد مقدار ه آر شین (۱۰ متر و ۶۶۵ میلی متر) از پشت بام طبقه فوقانی بالا رفته و از آنجا سقف گنبد را با طسهای آهنین د و طبقه بالای هم بنا نموده و با آلات آهنین به یکدیگر ربط داده اند بطوریکه د ر وسط د و سقف با شکل گردش کردن ممکن و ارتفاع گنبد نیز ه آر شین است و خلا جز سنگ و آجر و سمنت و آهن و آهک و گچ د ر بنای مشرق الاذکار

بچه‌ها! در زمان حضرت مسیح * * * * * اینک روزی او را برای مجازات بردند
 مرد مانیکه یا حضرت ایمان نیاورد * * * * * اطفال عزیز
 بودند از طرف مردم * * * * * بخوانید
 غیر مسیحی بسیارند * * * * * (هو الله)
 میشدند مثلا بکفر * * * * * الا اطفال فروع شجرة الحيات
 مسیحی یا سم اند روکیس * * * * * و طيور حدیقة النجات لثالی صدف بحر رحمتك
 را گرفته و او را فروختند * * * * * اوراد روضة هدایتك ربنا انا نسبح بحمدك
 شخصیکه اند روکیس را * * * * * و تقدس لك و نتضرع الی ملكوت رحمانیتك ان
 خرید بسیار او را از پت * * * * * يجعلنا مسج الهدی و نجم افق العزة الا ید به
 میکرد یا اخرماند روکیس نتیجه * * * * * ع
 اینکه زیاد او را صد مهر آزار رسانید * * * * * افتاد و او را بوکرد و با زیان
 بردند مجبور شد بجنگل فرار کند * * * * * خودش او را نوازش نمود مردم چون این
 روزی که در جنگل مشغول گردش * * * * * حال را مشاهده نمودند تعجب کردند
 بود از د و صدای ناله شنیدند * * * * * و او را نزد شاه بردند شاه پرسید چه شد
 نزد يك غاری شد و بد شیری * * * * * که شیر تو را پاره نکرد؟ اند روکیس
 درنده در آنجا خوابید و او را زد * * * * * من بشیر خوبی کردم او هم بمن خوبی
 ناله میکند دل او بحال شیر سوخت * * * * * نمود بچه‌ها قصه من تمام شد
 و جلورفت که ببیند چرا شیر ناله * * * * * شما هاد رس اخلاق همه تعلیم مبارک
 میکند دید که خاری بیای * * * * * را راجع بشازردن حیوانات یاد گرفته
 شیر فرورفته و حیوان را آزار * * * * * و میدانید که میفرمایند:



آقای بهمن گرانفر فرستند: تهنه کودکان

میرساند او خارا از پای شیر بیرون کشید و انجاماند تا
 بلکه شیر یکی خوب شود اند روکیس روزها از موه‌ها ی
 جنگل میخورد و مشغول مد اوای پای شیر بود تا آنکه شیر
 پهبودی یافت يك روز نشسته و منتظر شیر بود ساعتها
 گذشت و شیر نیامد بالاخره اند روکیس فهمید که
 اریایهای بیرحمش شیر را گرفته اند و غیب او نیز میگردند
 الاخره اند روکیس را پید کردند و بزند ان اند اختند تا
 مبارزید چه رسد بانسان و تا توانید سرماری
 مگویند تا چه رسد بمردمان پس باید همیشه
 این تعلیم مبارک را عمل کنیم و بیاد داشته
 باشیم که حیوانات نیز مانند ما دارای جان هستند
 و کشتن و اذیت کردن آنها گناه است و همیشه فکر
 کنیم که اگر کسی ما آزار برساند چه قدر ناراحت هستیم
 و شکایت میکنیم تا چه رسد بحیوانات که بی زبان هستند

مدت ۲۷ ماه در چهره نیز محبوس بودند تا در ۲۸ شعبان سال ۱۲۶۶ هجری در تبریز فتوای علمای شیعه حضرت را شهید کردند. حضرت اعلی فرزند ی احمد نام داشته که قبیل از اظهار امر مبارک در شیرخوار وفات یافت و در پیغمبر بی بی دختران شیراز ریای درخت سرو که هنوز هم هست دفن شد بر حسب وعده هیکل مبارک در سال نهم از ظهور که سنه بعد حین تعبیر شده و مقصود سال ۱۲۶۹ هجری است مؤمنین بامر حضرت اعلی مترصد و منتظر ظهور کلی آلهی که در کتاب حضرت اعلی باسم من بظهور آله نکرشده این وعده بظهور پیوست و حضرت بهاء الله در سر موعود پرده از چهره دل آرا برداشته و بجمعی از خواص مؤمنین بیان خود را موعود بیان معرفتی فرمودند حضرت بهاء الله اسم مبارکشان حسینعلی و اسم پدرشان میرزا عباس معروف بمیرزا بزرگ نوری وزیر است تولد حضرت بهاء الله در سال ۱۲۳۲ هجری بود و در سال ۱۲۵۱ هجری تاهل اختیار فرمودند آسیه خانم که ملقبه بورقه علیا و نوابه است با این شرافت کبری سزاوار گردید. حضرت بهاء الله از آغاز امر گرفتار مضائب و بلا با بودند در آمل مازندران بفتوای علمای شیعه پای مبارک را چوب زدند و چهار ماه در سیاه چال طهران در ریز زنجیر قره کهر گرفتار بودند و بالاخره بامروا ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۹ با عائله و اطفال از طهران بیخدا انقی و تبعید شدند (خلاصه تاریخ مجلد پنجم عالم بهائی نقل شده)

یاری در ایامیکه در بغداد تشریف داشتند یکی از ائمه های

خال اکبر برای زیارت عتبات بیخدا در وارد شد حاجی سید جواد کریمانی که یکی از مشاهیر مؤمنین ب حضرت اعلی و نفوس مهتمه اولیه است در آن اوقات در بغداد بود و قضیه را بحضور مبارک عرض کرد فرمودند او را بحضور آورد تا الفای کلمه الله بمشارالیه شود خال اکبر بحضور حضرت بهاء الله رسید و بعد از الفای کلمه اللهم مشکلا چند داشت که حسب الامر مبارک نوشت و تقدیر کرد و در جواب سئوالات مشارالیه کتاب مبارک ایقان یافصح بیان از قلم حضرت رحمن جاری و نازل گردید و نزول ایشان در سنه ۱۲۷۸ هجری است چنانچه در متن کتاب میفرمایند قوله تعالی : " حال هیچکس در سنه میگذرد که ۰۰۰ و چون هیچکس در ۱۲۶۰ که سال ظهور حضرت اعلی است اضافه شود ۱۲۷۸ میشود باری سئوالات مشارالیه در باره علامات ظهور موعود و سلطنت حضرت موعود و مسئله رجعت و کلمه خاتم النبیین و غیرها بود که همه ادیان باین مشکلات گرفتار و با عراض از جمال مختار نیام نموده و مینمایند رساله ایقان که در اول پرساله خالویه معروف بود جمیع این مشکلات را حل نمود و حجت را بر کل بالغ فرمود سید مزبور ب شرف ایمان مشرف و جمیع منتسبین ب حضرت اعلی نیز مؤمن شدند حضرت حرم و والد حضرت هم مؤمن شدند سبب ایمان فاطمه خانم و والد حضرت اعلی حضرت بهاء الله بودند حاجی سید جواد کریمانی و زوجه حاجی عبد المجید شیرازی را نزد والد حضرت که در اواخر حیات در کریملا مجاورشده بود فرستادند

Handwritten notes in the left margin, including the name "اشراق خاوری" and other illegible scribbles.

عصرجد بد مشکل بنظر میرسد که تفویضی جامع‌تر و گام‌تراز
تفویض امر مبارک بتوان ایجاد و اختراع نمود.
سایه قضیه کیسه در تفاوت موجود بین ریاضت آشننگی و تفویض
است در چند کیسه در تفویض امر مبارک هم موجود است ولی
ایام کیسه را بن امر جزو سال بهائی شمرده نمی‌شود و بنظر
ایام زائد هویا هم ایام عظامنظور موسوم گرد بد هویا کیسه آن
تائیری در ایام سال بهائی ندارد زیرا سال بهائی ۱۹ ماه
و شرمهش ۹ روز و ایام زائد هکته بین ماه ۸ و ۹ قرار دارد
خواه ۴ روز و کسری و یا ۵ روز باشد جزو ایام سال شمرده نمی‌شود
و اشکل نگاهداشتن حساب در نائق و ساعات کیسه را در
برند ارد که اگر از آن غفلت شود شما را ایام ماه و سال در چار
اختلال میگردد. منتظر باشید در شماره‌های آینده مجله
آهنگ بد بیع اجماع تاریخ تحول و تغییرات مختلفه تفویض
موجود مطالعه فرمائید.



مسابقه : سه موضوع سابق
۱- مبحث تاریخ
۲- مبحث اجتماعی
۳- بهترین داستان اخلاقی
جائزه ها نیز شرح سابق بهترین
و صحیحترین جوابها بحکم قرعه
داد خواهد شد.

نامنا در این امر مبارک آنچه موجب اتحاد و یگانگی اهل عالم
بوده و دست منصوص و تشریح گرد بد هویا آنچه سبب اختلاف و
بیگانگی است منع گرد بد زیرا این امر مبارک برای جمیع اهل
عالم تشریح گرد بد هویا همانطور که میفرمایند لسان جد بدی و
خط جد بدی اختراعات انتخاب کنبد همینطور هم تفویض
جد بدی یوضع فرموده تا جمیع عالم باین مسئله متوجه شده
و از توجه بتفاوتی قد همه که مورث تعدب ملی است در نظر
نمایند و از این طریق هم مسئله وحدت و یگانگی نوع بشر تحکیم
تا سعا سال و ماه و سایر حدود زمانی امری محقق و موجود
در خارج نیست بلکه بنص مبارک زمان و اجزای تقسیمات
آن در ارای ثبوتند نه در ارای وجود قدمای دانشمندان معاصر
زمین رایه ۲ اما هوشرماه رایه ۳۰ روز قسمت کرد هاند و بد بهی
است که تناسی بین ۲ و ۳۰ و غیره مانند هفته نیست در این
امر بدیع تقسیم مزبور را بانظم و تناسب واحدی تقسیم فرموده
اند یعنی سال ۹ اما هوشرماه ۹ روز و ایام زائد هم جزو
سال بهائی نیست و خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل
بقیه از صفحه ۱۷- دارند و ایند ومد رسه را از طرف جنوب
در یوار کوتاهی که بر بالای آن سراجیهای از سمت تریب با
و مانع از مشاهده د اخل باغ نیست و در وسط آن دروازه
هائی بزرگ از آهن مشبک نیز که راه در خول و خروج بیاباغ
مشرق الاذکار است موجود بیکدیگر مربوط میسازد و در طرف
شمال شرقی یک سالون بزرگ جهت مجلس عموم که ۲۸ -

مدت قبول جوابها تا تاریخ ۲۸ / ۵ / ۱۳۲۵ میباشند.
آرشین (۲۷ متر و ۸ میلیمتر) طول و ۹ آرشین (۱۳
متر و ۹ میلیمتر) عرض دارد و در ارای غرقه های فوئاد
است و در جلو آن ایوانی بطول سالن و عرض ۶ آرشین (۴
متر و ۶ میلیمتر) واقع است و در سمت شمال غربی
اطاقهائی جهت توقف مسافران و قرائتخانه و امثال
ذلك بنا نمود هاند و ایند و عمارت را نیز در یواری نظیر
در یوار جنوبی بیکدیگر مربوط میسازد و لکن در یواری که
از طرف غرب کشیده شد هومد رسه انلشیه و اطاقهای
راییکدیگر اتصال میددد بالای آن سراجی ندارد
این است خلاصه تاریخ و وضعیات و مساخت اولیسن
مشرق الاذکار تاریخ بهائیان عشق آباد بطور اختصار
که خوانندگان محترم نقشه ناقص از آن در آئینه مخیله
خود توانهند کشید و اما اطلاع حقیقی موقوف به
دیدن است نه شنیدن بر شنیدن کی بود مانند بدن